

بررسی وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد و عوامل مرتبط با آن در شهر اهواز

کبری محمدی تبار^۱، فاطمه محبوبی فر^۲، سیدناصر حجازی^۳

^۱ دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

^۲ دانشجوی دکتری رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ معاونت آموزشی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه دهقان، ایران

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد و عوامل مرتبط با آن در شهر اهواز، بوده است. طراحی/ روش‌شناسی/ رویکرد: این پژوهش از نظر نوع، توصیفی، پیمایشی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه- آماری شامل تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز می‌باشد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ تعداد آنها در حدود ۹۰۰ هزار نفر می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد و از روش نمونه‌گیری خوشه- ای و تصادفی استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود که به صورت محقق ساخته تدوین شده است که پس از تأیید توسط اساتید راهنما و مشاور به صورت روایی صوری ابتدا بین ۳۰ نفر توزیع شد و مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای متغیرهای مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد (۰/۷۵۱)، دینداری (۰/۷۹۳)، اعتماد اجتماعی (۰/۸۴۲)، نوع روابط خانواده (۰/۸۳۴) و تعلق اجتماعی (۰/۸۲۲) با استفاده از نرم افزار spss26 مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی برای متغیرهای جمعیت‌شناختی و آزمون استنباطی اسپیرمن، آزمون تی، توکی و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد عوامل (اعتماد اجتماعی، دینداری، نوع روابط خانواده، تعلق اجتماعی، پایگاه اقتصادی، سن، جنس، وضعیت تأهل و تحصیلات) با وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد در شهر اهواز رابطه معنی‌دار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سازمان های مردم نهاد، مشارکت داوطلبانه، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، متغیرهای جمعیتی، اهواز.

۱. مقدمه

تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است؛ به طوریکه توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند، و فرآیند توسعه وقتی با ثبات و موفقیت همراه می‌دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (دین پناه و قزل‌سفلو، ۱۳۹۸). در این زمینه اگر چه نهادها و و تشکلهای مختلف وجود دارد، ولی مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه جانبه مردم در روند توسعه، سازمان‌های غیردولتی هستند که به عنوان بخش سوم در کنار بخش خصوصی (بازار) و دولت (عمومی) در اداره جامعه نقش دارند (رضوانی، ۱۳۸۴). اصطلاح **NGOS** کوتاه شده «سازمان‌های غیر دولتی» یا «سازمان‌های مردم نهاد» است، که هم اکنون معادل «سازمان داوطلبانه خصوصی» مصطلح شده و به تشکلهای، انجمن‌ها، کانون‌ها و نهادهای مردمی آزاد گفته می‌شود. هرچند سازمان‌های غیردولتی از اوان ظهور و بروز خود در پس از جنگ جهانی اول بر کمک‌رسانی به فقرا و امور خیریه متمرکز شده‌اند، با این حال در سال‌های پایانی قرن بیستم که با وقوع پدیده‌هایی نظیر تغییر در پارادایم توسعه و جغرافیای قدرت و بحران ناکارآمدی دولت‌ها و پدیده جهانی شدن همراه شده بود، این سازمان‌ها قدر و منزلت ویژه‌ای یافتند و نقشهای مهمی را در سطوح ملی و بین‌المللی و به خصوص در اصلاح ساختار اداره امور عمومی و در تعامل با دولت‌ها برعهده گرفتند، به گونه‌ای که از سوی دبیر کل وقت سازمان ملل، سده نخست هزاره سوم میلادی، قرن سازمان‌های غیردولتی نامیده شد. امروزه بعضی از صاحب نظران اعتقاد دارند که سازمانهای غیردولتی (مردم نهاد) قابلیت آن را دارند که به عنوان بازیگران فعال در عرصه امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقاط ضعف نهادهای سنتی نظیر احزاب را نیز جبران نمایند (مرتضوی، ۱۳۸۱).

در نتیجه در حال حاضر یکی از راهبردهای مؤثر جهت توسعه همه جانبه و خودپایدار، استفاده از مشارکت و توانمندی مردم در تمام ابعاد آن است که مهمترین ابزار اصلی نیل به این مقصود را می‌توان در تشکیل نهادهای سازماندهی شده غیردولتی دانست، که بر اساس نیاز و توانایی‌های گروه‌های مختلف در موضوعات متنوع و ضروری جهت اجرای برنامه‌های توسعه ایجاد می‌گردد (بالویی جامخانه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۰). مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگیشان تأثیر قاطع بگذارند، به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند (سالکی، ۱۳۶۹). در کشورهای توسعه یافته با عقب‌نشینی دولت از عرصه توسعه زمینه لازم برای اجرای «توسعه مشارکتی» فراهم شد. به این ترتیب در رهیافتهای جدید توسعه، دولت تمام برنامه‌ها را اجرا نمی‌کند بلکه توسعه مشارکتی مطرح است. یعنی بحث در مورد ایجاد فضا برای مشارکت افرادی است که توسعه برای آنها صورت می‌گیرد. از اینرو گسترش مشارکتهای مردمی به خصوص جوانان به عنوان نیروی فعال و کارآمد در فرآیند توسعه اجتماعی و در چارچوب جامعه مدنی، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و جامعه مدنی و نهادهای آن از لوازم اصلی تحقق توسعه اجتماعی مطلوب محسوب می‌شوند. از جمله ابزار مناسب جهت اجرای اهداف رهیافت‌های جدید توسعه، سازمان‌های غیر دولتی یا سازمان‌های مردم نهاد هستند که بر پایه مشارکت‌های داوطلبانه بوجود آمده‌اند. البته این بدان معنی نیست که این سازمان‌ها بدنبال جانشینی دولت در برنامه‌های خود هستند بلکه کارکرد و ابعاد فعالیت آنها متفاوت است. این سازمان‌ها سامان‌دهی قدرت مردم در مقابل قدرت حاکمیت و هماهنگ کردن قدرت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان است. به این ترتیب سازمان غیردولتی با بسیج داوطلبان و تقویت توان اجتماعی برای بخش‌های مختلف توسعه، نقش مؤثری در رسیدن به

اهداف توسعه اجتماعی ایفا می کنند. این سازمان ها در ابعاد گوناگونی چون فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و بشر دوستانه فعالیت دارند و به دولت کمک رسانی می کنند. هم اکنون سازمان ها و تشکلهای غیردولتی در سطوح محلی، ملی و بین المللی حوزه مهمی از فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در کنار دولت و بازار (بخش خصوصی) بر عهده دارند، به صورتی که بعضی از صاحب نظران از این پدیده جدید به عنوان «انقلاب همکاری جهانی» یاد می کند (لويس، ۲۰۰۱: ۱). سازمان مردم نهاد یا سازمان غیردولتی در کلی ترین معنایش، به سازمانی اشاره می کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود، اما نقش بسیار مهمی به عنوان واسطه بین فرد فرد مردم (اتم های اجتماع) و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می کند (شاه بهرامی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۰۸). و به طور کلی باعث مشارکت هر چه بیشتر مردم می شود (علی الحسابی، ۱۳۹۰: ۳۶).

در حال حاضر یکی از راهبردهای مؤثر جهت توسعه همه جانبه و خودپایدار، استفاده از مشارکت و توانمندی مردم در تمام ابعاد آن است که مهمترین ابزار اصلی نیل به این مقصود را می توان در تشکیل نهادهای سازماندهی شده غیردولتی دانست، که بر اساس نیاز و توانایی های گروه های مختلف در موضوعات متنوع و ضروری جهت اجرای برنامه های توسعه ایجاد می گردد (بالویی جامخانه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۰). در جهان کنونی نیل به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی از اجزاء جدایی ناپذیر گرایش های تکاملی انسان محسوب شده و مقوله رفاه اجتماعی یکی از مهمترین اهداف دولت ها قلمداد می شود. از این رو دست آوردهای عظیم بشری حاصل از دگرگونی های سریع اجتماعی که منجر به تغییرات عمده ای در شیوه های زندگی، نیازها و پایگاه ارزشهای افراد گردیده ایجاب می کند که: اولاً: ساختار فرآیند نظام های اداری و سازمان هایی که بخشی از سیستم کلان اجتماعی هستند، متحول و منعطف شوند تا با ایفای نقش های اساسی تر خود مانند نظارت، هدایت و حمایت به خواسته ها و انتظارات جامعه امروز و فردا را پاسخگو باشند. ثانیاً: آفت ها و آسیب های ناشی از تحولات روز افزون را کاسته و مدیریت کنند، به تعبیر دیگر عدالت اجتماعی حکم می کند، توده های محروم و طبقات ضعیف و ناتوان جامعه از توجه و جایگاه خاصی برخوردار شوند به ویژه با توجه به آموزه های مؤثر دینی در نظام حکومتی اسلامی، دولت می بایست برای بهبود سطح معیارها و استاندارد زندگی آنان و حفظ کرامت انسانی، بگونه ای برنامه ریزی نماید که بتواند تمامی گروه ها و افراد نیازمند را تحت رسیدگی و پوشش قرار دهد (محمدی ازنی و دیگران، ۱۳۸۷).

البته لازم به ذکر است که اهمیت مشارکت مردم در سازمانهای مردم نهاد تنها ناشی از این نیست که مشارکت مردم در اداره امور جامعه خود، به مثابه ابزاری تلقی می شود که موجب تقسیم مسئولیت های جمعی شده و شراکت همه مردم در کارها و دستیابی به اهداف گروهی را تسهیل می نماید؛ بلکه امروزه مشارکت مردمی علاوه بر اینکه روش و ابزاری جهت نیل به اهداف جمعی است، خود از اهداف اصلی توسعه پایدار اجتماعی، فرهنگی به شمار می آید و توسعه همه جانبه اجتماعی - سیاسی و حتی اقتصادی جوامع در گرو و وابسته به آن پنداشته می شود (علی الحسابی، ۱۳۹۰: ۳۶). مشارکت در جامعه انسانی بالندگی فردی و حس تعلق جمعی را پدید آورده و موجب می شود تا بی تفاوتی و بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد. این در صورتی است که شرایط تحقق و اجرای مشارکت واقعی در جامعه فراهم شده و عواملی که تسهیل کننده و در واقع مؤثر بر مشارکت جوانان هستند مورد بررسی قرار گیرند و شناخته شوند. بنابراین با توجه به اینکه بحث از مشارکت در سازمان های مردم نهاد به عنوان یک مسئله ی مهم اجتماعی مطرح است پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال کلی می باشد که وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد در شهر اهواز چگونه است و عوامل مرتبط با آن کدامند؟

۲. مبانی نظری

نظریه ساختی-کارکردی^۱

امیل دورکیم^۲ می پنداشت که صورتهای پدیدار شونده در کنش متقابل را تنها می توان با جامعه شناسی تبیین کرد. اگر ما به دیگری در حل مشکلی کمک کنیم نه مناسبات فردی و روانشناختی بلکه چارچوبهای هنجاری وساختارهای اجتماعی است که ما را به سوی چنین عملی سوق می دهد چرا که فرد در احاطه ساختارها و بایدها و نبایدها قرار گرفته و سعی می کند خود را با آنها سازگار و منطبق نماید تا به نوعی توقعات و انتظارات جامعه را برآورده سازد. در حالی که دورکیم کنشگر را تحت الزام واقعیتهای اجتماعی، به ویژه وجدان جمعی می دانست، لوی اشتراوس^۳ معتقد به نوعی ناخودآگاه جمعی بود که ریشه در ژرفای بشریت دارد و برای خود کنشگران ناشناخته است. از نظر وی تبادل اجتماعی فراگردی است که تنها به انسان اختصاص دارد. به عبارتی انسانها توانایی کنش مبتنی بر فرهنگ را دارند، حال آن که جانوران پست تر تنها به گونه ای طبیعی می توانند از خود واکنش نشان دهند. هومنز در واکنش به این نظر لوی اشتراوس گفته بود که میان انسانها و جانوران پست تر تفاوت مشخصی وجود ندارد. به نظر مایرز همه اجزاء کلی رمزهای اخلاقی ریشه در هنجارهای متقابل دارد. این هنجارها کلی و عام هستند و همه آن را می پذیرند. با توجه به این دیدگاه کمک رسانی به هم نوع یک هنجار اجتماعی است و افراد براساس قرارداد اجتماعی به همدیگر کمک می کنند. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۳)

کارکردگرایان، نهادهای مشارکتی را برحسب آثاری که بر نظام اجتماعی می گذارند تبیین می کنند. سازمانها، گروهها و تشکلهای، نهادهایی اند که از مشارکت کنندگان تاثیر می پذیرند و از سویی نیز بر همدیگر به نوبه خود بر جامعه اثر می گذارند و از آن متاثر می شوند. از این دیدگاه مشارکت و نهادهای مشارکتی زمانی در جامعه گسترش می یابد که در بقاء و تعادل اجتماعی دارای تاثیر باشد. علت اینکه مردم در مراسم ازدواج و فوت داوطلبانه شرکت می کنند و حتی - بویژه در جوامع سنتی در تامین نیازهای مالی مراسم مذکور مشارکت می نمایند، این است که مشارکت در این مراسم موجبات حفظ همبستگی اجتماعی را فراهم می کند. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۳).

با توجه به آنچه گفته شد، ساختارها و چهارچوب های قانونی، نقش اساسی در گسترش مشارکت ایفا می کنند. بدون داشتن پشتوانه قانونی، کنش ها و رفتارهای انسانی مشروعیت نداشته و نهادی نمی شوند. البته باید توجه داشت که وجود قوانین امری لازم است، اما کافی نیست. مشارکت صرفا با تدوین یک سلسله قوانین و مقررات تحقق نمی پذیرد بلکه مهمترین مساله، ایجاد فضای مناسب برای مشارکت فعالانه افراد است. بسیاری بر این عقیده اند که دیوان سالاری دولتی ضد مشارکت است؛ زیرا ساختار رسمی نظام اداری معمولا به گونه ای است که مجال رشد نهادهای غیررسمی را نمی دهد و در برابر خواسته های مردم مقاومت نشان می دهد. ارزیابی ها نشان می دهد که در عرصه مشارکت مردمی، بیشتر شاهد شکست ها هستیم تا موفقیت ها. بسیاری از این شکست ها به نبود تلاش پیگیر و جدی مسئولان بر می - گردد؛ زیرا مشارکت اغلب برای مشروعیت بخشیدن به سیاست ها، و دستورات قدرت مرکزی به کار برده می شود یا

^۱. Structural - functional

^۲. Emil Durkheim

^۳. Levi Strauss

ابزاری برای استفاده از نیروی کار و سایر کمکهای مردمی به صورت فعالیتهای خودیاری است. در چنین وضعیتی مشارکت تنها جنبه نمایشی دارد و برای نیل به اهدافی فقط سیاسی و اقتصادی استفاده می شود (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۷). مشارکت از جمله آمالهای اصلی بیشتر سازمانهای غیردولتی است و حکومت های کشورهای در حال توسعه دریافته اند که مشارکت سازمانهای غیردولتی را از رویکرد «بالا به پایین» متمایز می کند. در شکل ارتباط سازمان های غیردولتی با مردم، حکومت در سایر سازمانهای غیردولتی و نیز جایگاه سازمان های غیر دولتی در ساماندهی شرکت های مردمی نشان داده شده است. سازمان های غیردولتی در چنین خلاء مشارکتی شکل می گیرند. یک نهاد مشارکتی به قول ژان ژاک روسو^۴ «باتمام قدرت مشترک خود» از آزادی هر کسی که بدان می پیوندد دفاع و حمایت می کند تا مصلحت های خود را بر طبق نیازها و اراده آزاد در چهارچوب گروه تامین کند. به دلیل اهمیت آرای پارسونز برای تبیین کنش مشارکت اجتماعی به بررسی نظریه ی او پرداخته خواهد شد. پارسونز با مطالعه و ترکیب افکار و آرای صاحب نظران قبل از خود سعی در ارائه مدلی عام نمود که بتواند در قالب آن، کنش اجتماعی را در رابطه با تمام عوامل ممکن، از جمله محیط طبیعی، نظام ارگانیسمی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، ارزش های غایی، ساختارهای اقتصادی، ساختارهای سیاسی و نهادهای فرهنگی در سطح خرد و کلان تحلیل کند. از نظر پارسونز، کنش انسان دارای سه بعد ارگانیسمی، شخصیتی و فرهنگی است، که در این میان، ارگانیسم رفتاری به عنوان محرک های زیستی انسان تلقی می شود و وظیفه ی آن، انطباق با محیط است. ولی انسان با قرار گرفتن در محیط فرهنگی، ارزش ها را درونی می کند و دارای شخصیت می شود که او را به سوی هدف های خاصی هدایت می کند، و نظام فرهنگی نظام اجتماعی را با کارکرد یگانگی خود نظم می بخشد (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳: ۷۸).

نظریه مبادله^۵

نظریه اختیار عاقلانه آدمیان را مخلوقات عالم و قاصد تعریف می کند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۸). این نظریه، اغراض و معتقدات افراد را اصل قرار می دهد و بر مبنای آن، تحلیلی صوری از تصمیم گیری سنجیده و عاقلانه به دست می دهد. الگوی تبیین اختیار عاقلانه، یک اصل محوری دارد و آن اصل این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده است. فرض بر این است که آدمیان در انتخاب یک راه از بین راه های مختلف، راهی را که با اغراض شان همسو است اختیار می کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان آن را می کنند و پس از بررسی اولیه موافق و مخالف، اقدام به گزینش یک راه می کنند. استنباط تجربی از تئوری اختیار عاقلانه این است که برای تجهیز مشارکت های مردمی باید برنامه ریزان به دنبال پروژه هایی باشند که نتایج فوری و ملموسی دارند. افراد در صورتی به سوی اقدامات مشارکتی گرایش نشان می دهند که بپذیرند در شرایط جمعی و مشارکتی امکان دستیابی به فایده سریع و تسهیل خواهد شد؛ در غیر این صورت ترجیح خواهند داد که همواره به شکل انفرادی عمل نمایند. براساس رویکرد رفتاری، دگرخواهی صرفا به عقاید واقعی ارائه کنندگان کمک توجه می کند. از این منظر کنش مشارکتی بر اساس پیامدهایش سنجیده می شود. اگر نتایج بتواند تاحدی نیازهای دیگران را برآورده کند یا به آنها کمک کند تا چیزهایی دیگر را بدست آورند، این بعنوان دگرخواهی انسان گرایانه تلقی می شود. برخی براین باورند، نودوستی فداکاری را در کنه خود دارد، اما واضح است در رفتار کمک رسانی به دیگران بیش از عنصر فداکاری، خود

^۴. Jean-Jacques Rousseau

^۵. Exchange

مسئولیتی و دغدغه خاطر برای دیگران مطرح می شود. این عناصر هنجارهای اجتماعی را در جامعه منعکس می سازند و فرض بر این است که این نوع رفتارها برای ارتباط و پیوند ضروری می باشد (پیچ، ۱۹۹۶: ۱۱).

این نکته که انگیزه های رفتارهای مشارکتی در جامعه بر چه اساسی شکل می گیرد از دیدگاه مکتب تبادل نیز متفاوت است. مردم در امور مربوط به جامعه «حکومت» فرهنگ اقتصاد، رسیدگی به وضعیت هموعان و ... مشارکت می کنند، زیرا منافع فردی آنها تامین می شود؛ و از قبال این مشارکت می توانند از مزایای حاصل از آن بهره برداری کنند یا به عبارتی انسانها نیز همچون حیوانات پست تر صرفاً طی یک کنش و واکنش رفتاری یا هیجانی به مشارکت در امور دست می زنند یا هرگونه اقدام به رفتارهای مشارکت آمیز ریشه در نوعی کنش های مبتنی بر پیشینه های فرهنگی ریشه دار در اجزاء جامعه می تواند شکل واقعی به خود بگیرد. با وجود نارسایی های اساسی، مفاهیم نظریه تبادل در تبیین همه جانبه رفتارهای انسانی بویژه رفتارهای مشارکتی از نوع کنش های دگرخواهانه، بی ارتباط نیست اگر به برخی اصول اولیه این مکتب و اتصال حلقه های مفهومی آن به موضوع مورد بحث، اشاره کنیم. اگر بخواهیم از دیدگاه مکتب مبادله برداشت اولیه ای از کنش های داوطلبانه داشته باشیم و نخواهیم خود را در سطح شرطی شدن و ارائه پاسخ های کبوتر آزمایشگاه اسکینر نگه داریم، از منظری بالاتر به قضایای چندگانه هومنزاد^۶ درباره رفتارهای اجتماعی اشاره مختصری خواهیم داشت و از رهگذر آن ارتباطی هر چند ناقص با رفتارهای مشارکتی داوطلبانه انسان ها برقرار می کنیم (هومنز، ۱۹۷۴: ۱۶).

نظریات ترکیبی

برخی تحلیل های جامعه شناختی به اهداف وسیع تر و انتزاعی تر اشاره می کنند. براساس آن ها، کمک رسانی و رفتار مشارکتی یک ارزش نمادین تلقی می شود و از آن جا که نوع دوستی به عنوان منبعی برای اتکاء مردم در جامعه به شمار می رود بالنفسه یک ارزش اجتماعی است. ارزش های مشارکتی بنیان های رفتاری را شکل می دهند که دوستی و الفت را میان شهروندان تقویت می کند. شهروند به نوبه خود، مسئولیت اخلاقی احساس می کند و متعهد به ارتقاء خیر مشترک (همگانی) است، بدین ترتیب کل روابط اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد (میلر، ۱۹۹۲: ۲۶).

این نوع دوستی ها بعد عاطفی مورد نیاز را برای تشکیل هویت های جمعی تقویت می کند که به نوبه خود زمینه گسترش رفتارهای انسان گرایانه می شود که مبتنی بر منافع عام و نه مبتنی بر تشکل های درون گروهی (از قبیل خویشاوندی، قومی) است (میلر، ۱۹۹۲: ۲۸). این تفاسیر رفتارهای نیکوخواهانه را با مفهوم شهروندی و سرمایه اجتماعی (در این باره در قسمت پایانی مبانی نظری بحث خواهد شد) مرتبط می کند براساس نظریه شهروندی، رفتارهای مشارکتی نوع دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می گیرند، بلکه از عضویت در اجتماع وسیع تر آگاهند. جامعه نوین مرکز تعاملات روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. در عین حال مشارکت داوطلبانه، شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضاء سوق می دهد و رفتار دگردوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می کند و آن ها را به عنوان اعضای انتزاعی جامعه تغییر می دهد که فراتر از وابستگان نزدیک است. از آن جا که اعمال مشارکتی نوع دوستانه آدم ها در ارتباط با دیگران و برای آنان رخ می دهد، نوعی

^۶. Page

^۷. Humans

کنش مشارکتی است که لزوماً نه تحت تاثیر جبرهای زیستی است و نه اجتماعی، و نه بدون هدف و اراده و آگاهی افراد صورت میگیرد، بلکه هم به لحاظ نیت و هم به لحاظ پیامد هدف مند است، لذا جنبه های فردگرایانه و جنبه های جمع گرایانه در شکل گیری کنش های انسانی به یک اندازه مهم هستند. از این رو، برای اجتناب از مغالطه های روش شناختی و با الهام از سنت پارسونزی در تفسیر کنش انسانی می توان به یک دیدگاه تلفیقی، که مبتنی بر ترکیب دیدگاههای تقابلی است، دست یافت. در این چارچوب، نظریات و الگوهای مختلفی ارائه شده است. از مهمترین آن ها، مدل «آیزن و فیش بین» است که مبتنی بر نظریه کنش مدلل می باشد. به نظر این علما، رفتارها در پی زنجیره ای از عوامل به وجود می آیند و حلقه ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام آن است. «نیات» تابعی از گرایش به سوی رفتار و هنجارهای ذهنی می باشند. مطابق با این نظریه، رفتار افراد بر دلایلی است که آن ها برای نتایج اعمال خود دارند و در نتیجه آن ها به انتخاب منطقی دست می زنند. عناصر این نظریه متشکل از دو بخش شخصی و اجتماعی است. عنصر شخصی گرایش فرد است که خود تحت تاثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است. بخش اجتماعی شامل هنجار ذهنی و بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است و متاثر از دو متغیر انتظار دیگران، به خصوص دیگران مهم، و نیز انگیزه یا پیروی از انتظارات دیگران است. این افراد یا گروه ها نقش الگو را برای رفتار افراد ایفا می کنند (رفیع پور، ۱۳۸۳: ۸-۱۱)

با توجه به مباحث نظری مربوط به مشارکت، شاید بتوان رفتارهای حمایتی و دگرخواهانه را این گونه تعریف کرد که این نوع رفتارها نوع خاصی از کنش اجتماعی یا مشارکتی هستند که با دغدغه خاطر برای دیگران همراه اند و غالباً آگاهانه و داوطلبانه اند. در این کنش ها موضوع حرکت از نیت و قصد رفتاری به یک رفتار عینی، محور اساسی است. تحقق نیات علاوه بر وجود گرایش به عمل، مستلزم وجود عوامل دیگری از قبیل آگاهی از شرایط نیازمندی، دیدگاه افراد نسبت به این پدیده و داشتن امکان عینی کمک به دیگران هم نوع می باشد که غالباً متاثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و آموزه های مذهبی و امثالهم است. به عبارتی هر چند رفتارهای نوع دوستانه یک تصمیم ذهنی تلقی می شوند، ولی در همه آنها توسط باورها و شروط موقعیتی مشروط می شوند و جهت گیری آن ها براساس الگوهای جمعی (قواعد، هنجارها و الگوهای اجتماعی) ساخت یابی شده اند و از این رو، این رفتارها نتیجه سلسله عوامل روانی، اجتماعی و روانی - اجتماعی اند. هر چند برخی از افراد در برخی جوامع در رفتارهای خیرخواهانه خود رضایت جانشینی مانند ايثار و فداکاری را مد نظر قرار می دهند و در وهله اول اطرافیان، هم کیشان و امثالهم را جزء تعهدات (اخلاقی یا اجتماعی) خود می دانند، ولی در برخی دیگر، انگیزه دگرخواهی صادقانه ریشه در همدلی، اعتماد و هم فکری دارد و در ذهن اینان «دیگران» به طور عام به مفهوم کل (همنوع) مطرح است (میلر، ۱۹۹۲: ۲۹).

۳. روش شناسی

این پژوهش از نظر نوع، توصیفی - همبستگی، از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده کمی است. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز می باشد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ تعداد آنها در حدود ۹۰۰ هزار نفر می باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب و روش نمونه

^۸. Aizen and Fishbein

گیری در پژوهش خوشه‌ای و تصادفی می باشد. بدین صورت که شهر اهواز بر اساس مناطق مختلف به خوشه‌های متفاوت تقسیم و از هر خوشه به صورت تصادفی نمونه نهایی استخراج می شود. پرسشنامه‌های پژوهش حاضر در محله‌های ملت (کوروش سابق) فاز ۱ و فاز ۴، در منطقه ی کوت عبدالله، محله ی پادادشهر، محله ی زیباشهر، لشگرآباد، سی متری، کیان، زرگان و مشعلی شهر اهواز تکمیل شدند. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد، که برای سنجش پرسش‌ها، از ارائه گویه‌هایی به شکل طیف لیکرت استفاده شد، روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید راهنما و مشاور تایید شد و برای تعیین پایایی پرسشنامه، یک گروه اولیه ۳۰ نفره بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز توزیع شد. مقادیر به دست آمده مقدار آلفای کرونباخ عبارت اند از: مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد (۰/۷۵۱)، دینداری (۰/۷۹۳)، اعتماد اجتماعی (۰/۸۴۲)، نوع روابط خانواده (۰/۸۳۴) و تعلق اجتماعی (۰/۸۲۲) بود که به معنای تایید پرسشنامه است.

۴. تعریف متغیرها

مشارکت در سازمان های مردم نهاد (متغیر وابسته)

دهخدا مشارکت را در معنای شراکت تعریف کرده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۴۶). تعریف دیگر مشارکت عبارت است از: «فعالیت های ارادی و داوطلبانه که از طریق اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، روستای خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).

سازمان مردم نهاد

اصطلاح سازمان های مردم نهاد دربرگیرنده طیف وسیعی از ساز کارهای غیردولتی با اشکال و انواع تعاریف متعدد و متفاوتی است. این سازمان های امروزه اختصاراً **ان جی اُ** نامیده می شود. این اصطلاح را برای اولین بار سازمان ملل بکار گرفت. در ایران اخیراً به جای اصطلاح **ان جی اُ**، جهت بومی کردن رویکردها، واژه ی «سمن» را بکار می برند که مخفف سازمان های مردم نهاد است. بانک جهانی سازمان های مردم نهاد را سازمان های خصوصی می داند که فعالیت هایی را برای تقلیل آلام، افزایش منابع محرومین، حفظ محیط زیست، تأمین خدمات اجتماعی ضروری و اساسی و توسعه اجتماعی محلی دنبال می کنند. مفصل ترین تحقیقاتی که متخصصین اجتماعی برای تعریف و تشخیص سازمان های مردم نهاد انجام داده اند، الگوی دانشگاه «جان هاپکینز» است که با چهار ویژگی متمایز برجسته شده است: سازمان یافتگی، مستقل بودن، غیرانتفاعی بودن، داوطلبانه بودن (اخلاقی پور، ۱۳۸۹: ۸۷۹).

متغیرهای مستقل:

- **دینداری:** دینداری عبارت است از مجموعه شناخت ها، احساسات و تمایلات نسبتاً پایدار نسبت به اعتقادات، اخلاقیات و احکام دینی که در وضعیت عادی اجتماعی و روانی در فرد وجود دارد و در کنش های فرد در رابطه او با خداوند و با هممنوعان و ... آشکار می گردد (سراجزاده و توکلی، ۱۳۸۰).

- **اعتماد اجتماعی:** مطابق با دیدگاه نظری گیدنز چهار زمینه محلی اعتماد در فرهنگ‌های پیش مدرن رواج دارد که مطابق با نظم اجتماعی خاص خودشان تنوعات بسیاری می پذیرند. اولین زمینه اعتماد، نظام خویشاوندی است که در اکثر وضعیت‌های پیش مدرن شیوه نسبتاً پایداری برای سازماندهی رشته‌های روابط اعتماد در طول زمان و مکان فراهم می‌کند و با فراهم کردن مجموعه‌ای از پیوندهای اجتماعی پایدار و قابل اطمینان، اغلب تشکیل دهنده میانجی سازمان دهنده روابط اعتماد است. این ویژگی روابط اعتماد در مورد اجتماعات محلی نیز صدق می‌کند، چرا که محلی بودن

زمینه های پیش مدرن کانون امنیت وجودی بوده و در آن سهمیم است (کسل، ۱۳۸۳ به نقل از ابراهیم پور و علمی، ۱۳۹۴).

- **نوع روابط خانواده:** خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می کند. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از افراد می داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره ی زمانی نامشخص، با هم زندگی می کنند (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

- **تعلق اجتماعی:** تعلق اجتماعی نقطه عطف فرآیندی است که طی آن فرد نسبت به مکان، محیط، شیء و یا امری احساس تعهد و مسئولیت پیدا می کند، به نوعی که موجب احساس مثبت به محیط و یا امر مورد نظر می شود (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲).

- **پایگاه اقتصادی:** پایگاه اقتصادی، پایگاهی است که فرد در میان یک گروه دارد. یا به مرتبه اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر گفته می شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره درآمد مؤثر و دارایی های مادی - اجتماعی به دست می آورد (کوئن، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

۵. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته ها

میانگین سن پاسخ دهندگان ۳۲/۳۷ سال گزارش شد. همچنین، متغیر جنسیت نشان می دهد که ۵۲/۰۸ درصد پاسخگویان (۲۰۰ نفر) را مرد و ۴۷/۹۲ درصد (۱۸۴ نفر) را زن تشکیل داده اند. سطح تحصیلات نشان می دهد که ۲۱/۶ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات دیپلم و یک درصد دارای سطح تحصیلات حوزوی و یک درصد دیگر نیز بی سواد هستند که به ترتیب دارای بیشترین و کمترین فراوانی می باشند. وضعیت تأهل نشان می دهد که ۳۹/۸۴ درصد پاسخگویان (۱۵۳ نفر) را افراد مجرد و ۶۰/۱۵ درصد (۲۳۱ نفر) را افراد متأهل تشکیل داده اند. در ضمن، بیشترین تعداد پاسخگویان (۱۷۵ نفر و ۴۵/۶ درصد) دارای پایگاه اقتصادی متوسطی هستند. همچنین آمار توصیفی و توزیع پاسخ دهندگان بر حسب متغیرهای پژوهش به این صورت بود که: **توزیع پاسخگویان بر حسب مشارکت در سازمان های مردم نهاد:** بیشترین تعداد پاسخگویان (۱۸۵ نفر و ۴۸/۲ درصد) از مشارکت متوسطی در سازمان های مردم نهاد برخوردار هستند، همچنین پایین ترین تعداد پاسخگویان (۲۲/۹) نیز از مشارکت پایینی در سازمان های مردم نهاد برخوردار هستند. همچنین ۲۸/۹ درصد از پاسخگویان از مشارکت بالایی در سازمان های مردم نهاد برخوردارند. **توزیع پاسخگویان بر حسب دینداری:** بیشترین تعداد پاسخگویان (۲۲۴ نفر و ۵۸/۳ درصد) از وضعیت دینداری متوسطی برخوردار هستند، همچنین پایین ترین تعداد پاسخگویان (۲۰/۱) نیز از وضعیت دینداری پایینی برخوردار هستند. **توزیع پاسخگویان بر حسب تعلق اجتماعی:** بیشترین تعداد پاسخگویان (۲۱۷ نفر و ۵۶/۵ درصد) تعلق اجتماعی متوسطی برخوردار هستند، همچنین پایین ترین تعداد پاسخگویان (۱۹/۸) نیز از تعلق اجتماعی پائینی برخوردار هستند. **توزیع پاسخگویان بر حسب نوع روابط خانواده:** بیشترین تعداد پاسخگویان (۱۸۸ نفر و ۴۹ درصد) از نوع روابط خانوادگی میانه رو برخوردار هستند، همچنین پایین ترین تعداد پاسخگویان (۱۰/۲) نیز از نوع روابط خانوادگی استبدادی برخوردار هستند. **توزیع پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی:** بیشترین تعداد پاسخگویان (۲۳۰ نفر

و ۵۹/۹ درصد) اعتماد اجتماعی متوسطی برخوردار هستند، همچنین پایین ترین تعداد پاسخگویان (۱۹/۵٪) نیز از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردار هستند.

– آزمون نرمال بودن داده ها

برای استفاده از آزمون های پارامتریک، پیش شرط هایی وجود دارد که عبارت اند از: شرط نرمال بودن داده ها، و شرط تصادفی بودن داده ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل ها از آزمون تک نمونه ای کلموگروف – اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می شود.

جدول (۱). آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرها

شاخص متغیر	Z کولموگروف اسمیرنوف	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۱/۱۲	۰/۰۹۱
دینداری	۰/۶۷۹	۰/۱۸
تعلق اجتماعی	۰/۹۲۳	۰/۳۴
نوع روابط خانواده	۰/۶۷۵	۰/۱۹
اعتماد اجتماعی	۰/۸۳۱	۰/۲۲
پایگاه اقتصادی	۰/۶۷۸	۰/۱۷

با توجه به جدول (۱)، می توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ می باشند پس می توان گفت که این متغیرها به لحاظ توزیع داده ها نرمال می باشند. پس می توان در تحلیل فرضیه های تحقیق، آزمون-های پارامتریک را بکار گرفت.

جدول (۲). نتایج آزمون همبستگی بین عوامل مرتبط (متغیر پیش بین)

و وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد (متغیر ملاک) $n = 384$

وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد (ملاک)	پیش بینی کننده	عوامل مرتبط
$r = 0.628^*$ $sig = 0.001$	اعتماد اجتماعی	
$r = 0.604^*$ $sig = 0.001$	دینداری	
$r = 0.419^*$ $sig = 0.001$	نوع روابط خانواده	
$r = 0.646^*$ $sig = 0.001$	تعلق اجتماعی	
$r = 0.658^*$ $sig = 0.008$	پایگاه اقتصادی	

$r = ۰/۶۶۶ *$	سن	ویژگی جمعیت - شناختی
$sig = ۰/۰۰۱$		
$*p < ۰/۰۵$		

با توجه به جدول (۳)، چون مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای اعتماد اجتماعی، دینداری، نوع روابط خانواده، تعلق اجتماعی، پایگاه اقتصادی و سن به ترتیب مقدار ۰/۶۲۸، ۰/۶۰۴، ۰/۴۱۹، ۰/۶۴۶، ۰/۶۵۸ و ۰/۶۶۶ بدست آمده است و به دلیل اینکه مقدار Sig نیز برای همه ی متغیرها ۰/۰۰۱ محاسبه شده است و در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. پس می توان نتیجه گرفت که بین عوامل (اعتماد اجتماعی، دینداری، نوع روابط خانواده، تعلق اجتماعی، پایگاه اقتصادی و سن) با وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد در شهر اهواز رابطه معنی دار وجود دارد.

– فرضیات ویژگی های جمعیت شناختی:

بین جنسیت و وضعیت تأهل با میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد.

جدول (۳). آزمون t مستقل (میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بر اساس جنسیت)

آماره t	درجه آزادی	معناداری	خطای استاندارد میانگین	فاصله اطمینان ۰/۹۵ برای اختلاف مشارکت (در بین زنان و مردان)	
				حد بالا	حد پایین
۸/۳۹۳	۳۸۲	۰/۰۰۱	۰/۰۶۹۶۶	۰/۷۲۱۷۰	۰/۴۴۷۷۵
(میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بر اساس وضعیت تأهل)					
۱۵/۷۰۶	۳۸۲	۰/۰۰۱	۰/۰۶۹۵۱	۱/۲۲۸۴۱	۰/۹۵۵۰۷

آن گونه که در جدول (۳) می بینیم و با توجه به سطح معناداری ($Sig < ۰/۰۵$) می توانیم بگوییم تفاوت معناداری بین میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در جامعه ی جنسیت (زن و مرد) و وضعیت تأهل (متأهل و مجرد) وجود دارد؛ لذا در بررسی این فرضیه می توانیم بگوییم: جنسیت و وضعیت تأهل رابطه ی معناداری با میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد. (میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد برای جنسیت در زنان کمتر از مردان و برای وضعیت تأهل در افراد مجرد کمتر از افراد متأهل دیده شد).

فرضیه: بین تحصیلات و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد.

جدول (۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (میزان تحصیلات)

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	Sig
بین گروهی	۱۵۸/۰۴۶	۸	۱۹/۷۵۶	۱۸۷/۱۹۴	۰/۰۰۱
درون گروهی	۳۹/۵۷۶	۳۵۷	۰/۱۰۶		
مشارکت در سازمان های مردم					

نهاد کل ۱۹۷/۶۲۲ ۳۸۳

آن گونه که در جدول (۴) می بینیم و با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد (۰/۰۰۱) که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، می توانیم بگوییم تفاوت معناداری بین میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در گروه های مختلف تحصیلی وجود دارد؛ لذا می توان گفت: سطح تحصیلات رابطه ی معناداری با مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد (مشارکت در سازمان های مردم نهاد در تمامی گروه های آماری یکسان نیست).

همچنین نتایج آزمون تعقیبی توکی نحوه گروه بندی افراد باتوجه میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد و میزان تحصیلات به شرح ذیل می باشد.

جدول (۵): نتایج آزمون توکی (مشارکت در سازمان های مردم نهاد و میزان تحصیلات)

مقدار آلفا = ۰/۰۵			فراوانی	میزان تحصیلات
گروه ۳	گروه ۲	گروه ۱		
		۱/۰۰۰	۴	بی سواد
		۱/۰۴۸۸	۴۱	ابتدایی
		۱/۳۷۱۰	۶۲	راهنمایی
	۲/۰۰۰۰		۷۵	متوسطه
	۲/۰۰۰۰		۸۳	دیپلم
۲/۷۶۰۹			۴۶	فوق دیپلم
۲/۹۴۵۵			۵۵	کارشناسی
۳/۰۰۰۰			۱۴	کارشناسی ارشد و بالاتر
۳/۰۰۰۰			۴	تحصیلات حوزوی
۰/۸۹۰	۱/۰۰۰	۰/۳۷۴	Sig	

نتایج این آزمون نشان می دهد مشارکت در سازمان های مردم نهاد افراد با تحصیلات دانشگاهی و حوزوی به شکل معناداری از سایرین بیشتر است ، مشارکت در سازمان های مردم نهاد با تحصیلات بی سواد، ابتدایی و راهنمایی به شکل معناداری از سایرین کمتر است و در مورد مشارکت در سازمان های مردم نهاد افراد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم که به شکل معناداری یکسان می باشد در بین گروه های دیگر قرار دارد. به عبارت دیگر با افزایش تحصیلات، مشارکت در سازمان های مردم نهاد نیز افزایش می یابد.

آزمون رگرسیون خطی چندگانه بین «میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد و عوامل مؤثر بر آن»

جدول شماره (۶). وضعیت شاخص های همبستگی

ضریب همبستگی چندمتغیره	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد تخمین	آماره دوربین- واتسون
۰/۹۰۷	۰/۸۲۳	۰/۸۱۹	۰/۳۰۵۷۳	۱/۵۳۸

ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۹۰۷ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی متغیرهای پیش بین (متغیرهای مستقل) و متغیر معیار (مشارکت در سازمان های مردم نهاد) است. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل برابر ۰/۸۱۹ است و می توان گفت که ۸۱/۹ درصد از تغییرات متغیر معیار را می توان به وسیله رابطه خطی آن با متغیرهای پیش بین، تعیین نمود.

جدول (۷): آنالیز واریانس مربوط به مدل

عناوین	مجموع توان دوّمها	درجه آزادی	میانگین توان دوّمها	آماره F	-p مقدار
رگرسیون	۱۶۲/۶۶۵	۹	۱۸/۰۷۴		
مانده ها	۳۴/۹۵۸	۳۷۴	۰/۰۹۳	۱۹۳/۳۶	۰/۰۰۱
جمع	۱۹۷/۶۲۲	۳۸۳			

چنانکه در جدول آنالیز واریانس (۷) مربوط به مدل دیده می شود، -p مقدار بدست آمده جهت آزمون بسیار کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض H_0 مبنی بر ناهمبسته بودن متغیر معیار «مشارکت در سازمان های مردم نهاد» و متغیرهای پیش بین (متغیرهای مستقل) در جامعه رد می شود و می توان گفت که متغیر معیار و متغیرهای پیش بین همبسته می باشند.

جدول (۸): وضعیت ضرایب تأثیر مؤلفه های وارد شده در مدل

متغیرها	ضرایب تأثیر		آزمون ضرایب		هم خطی	
	ضرایب	انحراف استاندارد	ضرایب تأثیر	آماره t	-p مقدار	تولرانس تورم واریانس
مقدار ثابت	۰/۴۴۶	۰/۱۹۲		۲/۳۳۰	۰/۰۲۰	
وضعیت تأهل	-۰/۱۳۳	۰/۰۵۳	-۰/۰۷۶	-۲/۵۱۵	۰/۰۱۲	۰/۵۱۳
جنسیت	-۰/۱۳۵	۰/۰۳۶	-۰/۰۹۰	-۳/۷۲۵	۰/۰۰۱	۰/۸۱۶

سن	۰/۰۱۱	۰/۰۰۵	۰/۱۴۸	۲/۱۱۶	۰/۰۳۵	۰/۰۹۶	۱۰/۳۷۱
میزان تحصیلات	۰/۰۷۰	۰/۰۳۳	۰/۱۷۲	۲/۱۴۹	۰/۰۳۲	۰/۰۷۴	۱۳/۴۷۶
دینداری	۰/۱۰۰	۰/۰۴۲	۰/۰۹۰	۲/۴۱۳	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳۸	۲/۹۶۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۱۳	۰/۰۴۸	۰/۱۰۰	۲/۳۵۶	۰/۰۱۹	۰/۰۲۶۲	۳/۸۱۰
نوع روابط خانواده	۰/۰۶۱	۰/۰۳۰	۰/۰۵۵	۲/۰۱۹	۰/۰۴۴	۰/۰۶۳۳	۱/۵۷۹
تعلق اجتماعی	۰/۰۹۹	۰/۰۴۹	۰/۰۹۱	۲/۰۲۳	۰/۰۴۴	۰/۰۲۳۶	۴/۲۳۵
پایگاه اقتصادی	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۰۲۶۸	۷/۱۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۳۳۶	۲/۹۷۶

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۲۴-۴)، متغیرهای مستقل تأثیر معنادار بر مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد، معادله نیز رگرسیون به صورت رابطه زیر است:

$$Y = 0.446 - 0.133 X_1 - 0.135 X_2 + 0.11 X_3 + 0.70 X_4 + 0.10 X_5 + 0.113 X_6 + 0.61 X_7 + 0.99 X_8 + 0.36 X_9$$

که در این معادله که متغیرهای موجود در آن به شرح موارد زیر می باشد X_1 تا X_9 به ترتیب وضعیت تأهل، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، دینداری، اعتماد اجتماعی، نوع روابط خانواده، تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی و Y نیز «مشارکت در سازمان های مردم نهاد» می باشد.

۶. نتیجه گیری

هدف اصلی این تحقیق بررسی وضعیت مشارکت مردم در سازمان های مردم نهاد و عوامل مرتبط با آن در شهر اهواز بود و تاکنون مطالعه همزمانی در مورد تأثیر آن انجام نشده است. اکنون به بررسی نتایج مشارکت در سازمان های مردم نهاد به عنوان متغیر اصلی پژوهش، به آزمون فرضیه های پژوهش و مقایسه با تحقیقات دیگران پرداخته می شود.

فرضیه شماره ۱: بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد: برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار Sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی به دست آمده ما که برابر با ۰/۶۲۸ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت نسبتاً زیاد و با جهت مستقیم بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۱ پژوهش حاضر تأیید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و مشارکت با یافته های پژوهش های ازکیا و غفاری (۱۳۸۰)، پناهی و یزدان پناه (۱۳۸۳) و رحیمی و دیگران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین اعتماد اجتماعی و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۲: بین دینداری و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار Sig محاسبه شده بین دو دامنه

که برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر دینداری و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۶۰۴ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت نسبتاً زیاد و با جهت مستقیم بین دو متغیر دینداری و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دینداری بیشتر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۲ پژوهش حاضر تایید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دینداری و مشارکت با یافته های پژوهش های پناهی و یزدان پناه (۱۳۸۳) و شکوری (۱۳۸۴) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین دینداری و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۳: بین نوع روابط خانواده و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر نوع روابط خانواده و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۴۱۹ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر نوع روابط خانواده و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دینداری بیشتر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۳ پژوهش حاضر تایید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین نوع روابط خانواده و مشارکت با یافته های پژوهش های وحیدا و نیازی (۱۳۸۳) و سیدانیوس و پنا (۲۰۰۱) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش های خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین نوع روابط خانواده و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۴: بین تعلق اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر تعلق اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۶۴۶ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت نسبتاً زیاد و با جهت مستقیم بین دو متغیر تعلق اجتماعی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه تعلق اجتماعی بیشتر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۴ پژوهش حاضر تایید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین تعلق اجتماعی و مشارکت با یافته های پژوهش های پناهی و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد. پناهی و یزدان پناه (۱۳۸۳) در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین تعلق اجتماعی و مشارکت پی برد. **فرضیه شماره ۵: بین پایگاه اقتصادی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۶۵۸ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت نسبتاً زیاد و با جهت مستقیم بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه پایگاه اقتصادی قوی تر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۵ پژوهش حاضر تایید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین پایگاه اقتصادی و مشارکت با یافته های پژوهش های رحیمی و دیگران (۱۳۹۰)، قانعی

راد و حسینی (۱۳۸۴)، یزدخواستی و عباس زاده (۱۳۸۶) و دی ال شت (۱۹۹۷) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین پایگاه اقتصادی و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۶: بین جنسیت و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده شد. با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} < 0.05$) تفاوت معناداری بین میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در جامعه ی زن و مرد وجود دارد؛ لذا در بررسی این فرضیه می توانیم بگوییم: جنسیت رابطه ی معناداری با میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد. (میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در زنان کمتر از مردان دیده شد). یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین جنسیت و مشارکت با یافته های پژوهش های یزدخواستی و عباس زاده (۱۳۸۶) و دی ال شت (۱۹۹۷) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین جنسیت و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۷: میزان سن و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با 0.001 می باشد و چون این عدد کوچکتر از 0.05 است، لذا بین دو متغیر سن و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0.666 است، لذا همبستگی مثبت، با شدت نسبتاً زیاد و با جهت مستقیم بین دو متغیر سن و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه سن بیشتر باشد میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۷ پژوهش حاضر تایید می شود. یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سن و مشارکت با یافته های پژوهش های یزدخواستی و عباس زاده (۱۳۸۶) و دی ال شت (۱۹۹۷) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین سن و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۸: بین تحصیلات و میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای بررسی فرضیه ی فوق از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد (0.001) که کوچکتر از 0.05 می باشد، تفاوت معناداری بین میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در گروه های مختلف تحصیلی وجود دارد؛ لذا می توان گفت: سطح تحصیلات رابطه ی معناداری با مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد (مشارکت در سازمان های مردم نهاد در تمامی گروه های آماری یکسان نیست). یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین تحصیلات و مشارکت با یافته های پژوهش های پناهی و یزدان پناه (۱۳۸۳) و دی ال شت (۱۹۹۷) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین تحصیلات و مشارکت پی بردند. **فرضیه شماره ۹: بین وضعیت تأهل و مشارکت در سازمان های مردم نهاد ارتباط وجود دارد:** برای بررسی فرضیه ی فوق از آزمون تی استفاده شد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده ($\text{sig} > 0.05$) تفاوت معناداری بین میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در جامعه ی متأهل و مجرد وجود دارد؛ لذا در بررسی این فرضیه می توانیم بگوییم: وضعیت تأهل رابطه ی معناداری با میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد دارد (میزان مشارکت در سازمان های مردم نهاد در افراد مجرد کمتر از افراد متأهل دیده شد). یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین وضعیت تأهل و مشارکت با یافته های پژوهش های یزدخواستی و عباس زاده (۱۳۸۶) و دی ال شت (۱۹۹۷) همخوانی دارد. پژوهشگران فوق در پژوهش خود همانند پژوهش حاضر به ارتباط بین وضعیت تأهل و مشارکت پی بردند. بنابراین در یک جمع بندی کلی تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پاره ای از پیشنهادات جهت بهبود وضعیت مشارکت در سازمان های مردم نهاد و همچنین رهنمودهایی برای پژوهش های

بعدی مطرح می‌گردد. - با توجه به ارتباط مثبت بین اعتماد اجتماعی و مشارکت در سازمان های مردم نهاد پیشنهاد می شود تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده هایی که به شهروندان می دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می گردد. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان ها و انجمن های داوطلبانه و همچنین رویدادهای سیاسی افزایش می دهد و از سوی دیگر به توسعه و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی که نقش بسزایی در ارتقاء مشارکت افراد ایفاء می کند منجر می شود. - با توجه به ارتباط مثبت و مستقیم بین دینداری و ابعاد مختلف آن با مشارکت در سازمان های مردم نهاد باید دینداری را در مرتبه کلان اهمیتی قرار داد؛ باید به مفاهیم و ابعاد و مولفه های اصلی و پویای دینداری (عاطفی، اعتقادی، مناسکی و تجربی) برای ایجاد یک بسیج نهادینه سازی توجه بیشتری نمود. این ابعاد ارزشمند دینداری در قالب رفتارها و کارکردهای مثبت و سازمان یافته در شبکه های گروهی اجتماعی جوانان نهادینه می شود. - بعد اعتقادی دینداری تفاوت محسوسی با سایر ابعاد دینداری در بین پاسخگویان دارد. بدین صورت که بعد اعتقادی بیشتر و قویتر از ابعاد مناسکی و پیامدی است. بنابراین می بینیم که در بین پاسخگویان اعتقاد قوی تر از عمل کردن است. پس باید تدابیری اندیشیده شود که دینداری در سطح اعتقاد قلبی نماند و به عمل هم رسیده شود. در این راستا رسانه های جمعی می توانند نقش مهمی داشته باشند. - با توجه به ارتباط بین پایگاه اقتصادی و مشارکت شهروندان در سازمان های مردم نهاد باید در جهت ایجاد شغل مناسب برای جوانان و رفع نیازهای اقتصادی آنان تلاش کرد. - دادن وام های بدون بهره، کمک هزینه های تحصیل و ازدواج، ایجاد شغل متناسب با تخصص، دادن وام های بدون بهره برای فعالیت های اقتصادی سبک و سنگین از جمله اقداماتی هستند که باعث افزایش سرمایه اقتصادی جوانان و در نتیجه بالا رفتن مشارکت شان می شود. همچنین پیشنهاداتی برای پژوهش های آتی ارائه شده است که به صورت ذیل بیان می شود: بررسی تأثیر استفاده از رسانه های جمعی بر مشارکت در سازمان های مردم نهاد. بررسی تأثیر میزان دینداری بر مشارکت در سازمان های مردم نهاد. بررسی تأثیر استفاده از شبکه های مجازی جدید بر مشارکت در سازمان های مردم نهاد.

در پژوهش حاضر همچون پژوهش های دیگر محدودیتهایی وجود داشت که بر کمیت و کیفیت داده ها تاثیرگذار بوده است این محدودیت ها به شرح زیر می باشند:- یکی از محدودیت های عمده ی این پژوهش استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده است که یه دلیل محدودیت ذاتی آن، این ابزار به تنهایی ابزاری ناقص جهت جمع آوری اطلاعات است؛ - کم حوصلگی از جانب بسیاری از پاسخگویان که گاهی مواقع پرسشنامه را نیمه کاره رها می کردند و پرسشگر را مجبور به جایگزین کردن پرسشنامه ی دیگر برای فردی دیگر می نمود. - عدم همکاری لازم و تصور غلط برخی از پاسخگویان در زمینه ی پاسخگویی به پرسشنامه ها که خود مانع بزرگی برای جمع آوری پرسشنامه ی تکمیل شده بود. - نامتعارف بودن پخش پرسشنامه در بعضی از محلات که گاهی اوقات مسخره کردن پرسشگر را نیز به دنبال داشت.

منابع و مراجع

- ۱) اخلاقی پور، منصور (۱۳۸۹). آسیب شناسی سازمان ها مردم نهاد در پیشگیری از اعتیاد در استان هرمزگان مجموعه مقالات منتخب ۳۰ کنگره استانی، تهران، نشر نادیس.
- ۲) ابراهیم پور، رحمت و علمی، محمود (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر سردشت. مطالعات جامعه شناسی، ۷ (۲۶): ۷۱-۵۳.
- ۳) بالویی جامخانه، عزت الله و دیگران. (۱۳۹۰). مطالعه میزان توانمندی سازمان های مردم نهاد (NGOs) فعال در حوزه بهزیستی استان مازندران. فصلنامه فراسوی مدیریت، (۱۸).
- ۴) پناهی، محمدحسین و یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳). اثر ویژگی های فردی بر مشارکت اجتماعی. تهران: فصلنامه علوم اجتماعی، (۲۶).
- ۵) رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس.
- ۶) سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت سیاسی و سازمان های غیر دولتی. تهران: انتشارات سمت.
- ۷) سراج زاده، حسین و توکلی (۱۳۸۰). بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی. فصلنامه پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۵ (۲۰ و ۲۱).
- ۸) سالکی، حسین (۱۳۶۹). مشارکت. ناشر: مؤلف، دوره چاپ ۱.
- ۹) شاه بهرامی، فرخ الله و دیگران. (۱۳۸۹). تأثیر فعالیت های سازمان های مردم نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۵ (۳).
- ۱۰) علی الحسابی، مهران. (۱۳۹۰). نقش سازمان های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی نمونه موردی: بندر لافت. فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱۳۴).
- ۱۱) کوئن، بروس. (۱۳۹۰). مبانی جامعه شناسی. ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲) محمدی ازنی، اسماعیل، سیده هاجر، حسینی، و شریفه، غمگسار (۱۳۸۷). نیازسنجی تعداد مراکز غیردولتی مورد نیاز سازمان بهزیستی مازندران. پروژه جهاد دانشگاهی استان مازندران. تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۱۳) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش، ۱ (۱).
- ۱۴) مرتضوی، مهدی. (۱۳۸۲). طراحی الگوی تحول اداری با رویکرد توسعه و تقویت سازمانهای غیردولتی. [رساله دکتری مدیریت]، دانشگاه تربیت مدرس، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- ۱۵) وحید، فریدون و نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. فصلنامه علوم اجتماعی، (۳۲).
- ۱۶) یزدان پناه و قزلسفلو، رقیه (۱۳۹۸). واکاوی نقش سازمان های غیر دولتی جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: استان گلستان). مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۸ (۳): ۱-۱۲.